پیوست ۱ مشارکت : واژه " کلیسا" در کتاب مقدس

۱ - واژه «کلیسا».

واژه «کلیسا» در زبان انگلیسی (church) از واژه یونانی kuriakon doma به معنای خانه خداوند گرفته شده است.
واژه «کلیسا» در زبان اصلی کتاب مقدس (یونانی) اکلسیا (ekklesia) است.
واژه اکلسیا درکتاب مقدس معانی مختلفی دارد:

۲- اکلسیا به مفهوم گردهم آیی یا اجتماع مردم.

الف- اکلسیا به معنی مجمعی فراخوانده شده منظم متشکل از گروهی حقوقی یا سیاسی است (اعمال رسولان ۱۹: ۳۹).

ب- اکلسیا به معنی گردهمایی یا اجتماع مردم است (اعمال رسولان ۱۹: ۳۲، ۴۱).

پ- اکلسیا به معنی جماعت اسرائیلی‌هاست (!)، بخصوص وقتی برای اهداف مذهبی جمع می‌شوند (داوران ۲۰: ۲، دوم تواریخ ۲۸:۲۹، مزمور ۲۲:۲۲، اعمال رسولان ۷: ۳۸). توجه داشته باشید که در عهد عتیق اسرائیل «کلیسا» نامیده شده است.

۳ - «اکلسیا» به مفهوم جماعتی از مسیحیان.

اکلسیا به معنی جماعتی مرکب از مسیحیان است.
زمینه متن واژه تعیین می‌کند که کدام جنبه از جماعت مورد نظر می‌باشد.

الف- اکلسیا می‌تواند به معنی جلسه کلیسایی و اجتماع مسیحیان با یکدیگر باشد (اول قرنتیان ۱۱: ۱۸، ۱۴: ۱۹، سوم یوحنا ۶).

ب- اکلسیا می‌تواند به معنی جماعت به عنوان کل مسیحیانی باشد که با هم در یک مکان زندگی می‌کنند.

- اکلسیا در حالت مفرد (متی ۱۸: ۱۷، اعمال رسولان ۵: ۱۱، ۸: ۳، اول قرنتیان ۴: ۱۷، فیلیپیان ۴: ۱۵، احتمالا اول تیموتاؤوس ۵: ۱۶).
- اشاره به کلیسا در شهرهای مذکور: اورشلیم (اعمال رسولان ۸: ۱؛ ۱۱: ۲۲)، انطاکیه (اعمال رسولان ۱۱: ۲۶؛ ۱۳: ۱)، کنخریه (رومیان ۱۶: ۱)، قرنتس (اول قرنتیان ۱: ۲)، تسالونیکی (اول تسالونیکیان ۱: ۱)، افسس (مکاشفه ۲: ۱) و غیره.
- اکلسیا در حالت جمع (اعمال رسولان ۱۵: ۴۱، ۱۶: ۵، رومیان ۱۶: ۱۶، اول قرنتیان ۷: ۱۷، دوم قرنتیان ۸: ۱۸- ۲۴).
- اکلسیا در استان‌های یادشده مشخص: یهودیه (غلاطیان ۱: ۲۲، اول تسالونیکیان ۲: ۱۴)، غلاطیه (غلاطیان ۱: ۲، اول قرنتیان ۱۶: ۱)، آسیا (اول قرنتیان ۱۶: ۱۹، مکاشفه ۱: ۴)، مقدونیه (دوم قرنتیان ۸: ۱).

پ- اکلسیا می‌تواند جماعت یا اجتماعی که در خانه گردهم می‌آیند (کلیسای خانگی) معنی شود.

در خانه پریسکلا و آکیلا در روم کلیسایی برپا بود (رومیان ۱۶: ۵) و همچنین در افسس (اول قرنتیان ۱۶: ۱۹).

در خانه نیمفاس کلیسایی برپا بود (کولسیان ۴: ۱۵).

کلیسایی در خانه فیلیمون برپا بود (فلیمون ۱: ۱- ۲).

ت- اکلسیا می‌تواند کلیسای جهانی معنی شود که همه مسیحیان واقعی جهان به آن تعلق دارند. (متی ۱۶ :۱۸، اعمال رسولان ۹: ۳۱، اول قرنتیان ۶: ۴، ۱۲: ۲۸، افسسیان ۱: ۲۲، ۳: ۱۰و ۲۱، ۵: ۲۳- ۳۲، کولسیان ۱: ۱۸ و ۲۴، فیلیپیان ۳: ۶، احتمالا اول تیموتاؤوس ۵: ۱۶).

ث- کلیسای منفرد یا کلیسای جهانی در بعضی موارد خاص.

این به واژه یونانی «اکلسیا» رنگی اختصاصا مسیحی و در نتیجه معنایی اختصاصی می‌دهد: «کلیسای خدا» (اول قرنتیان ۱: ۲، ۱۰: ۳۲ و غیره). «کلیسای مسیح» (رومیان ۱۶: ۱۶). «کلیسا... در خدا و در خداوند عیسای مسیح» (اول تسالونیکیان ۱: ۱). «کلیساهای مقدسین» (اول قرنتیان ۱۴: ۳۳). «کلیساهای امت‌ها» (رومیان ۱۶: ۴).

۴- واژه «کلیسا» یا «جماعت» در عهد عتیق و عهد جدید:

الف- کلیسا یک واحد تشکیلاتی نیست، بلکه واحدی روحانی است.

ایمانداران عهد عتیق به یک «جماعت» یا «کلیسا» (یونانی: اکلسیا) تعلق داشتند (داوران ۲:۲۰، دوم تواریخ ۲۸:۲۰، مزمور ۲۲:۲۲، م.ک. عبرانیان ۱۱:۱۰- ۱۶، ۱۲:۲۲- ۲۴)، که دقیقا همان «جماعت» یا «کلیسا»ی عهد جدید است (غلاطیان ۲۶:۴، عبرانیان ۱۴:۱۳)!

چراغدان در عهد عتیق. در طی دوران عهد عتیق تنها یک چراغدان در معبد وجود داشت و این چراغدان هم دارای هفت شاخه چراغ بود. چراغدان نماد یگانگی ملت کلیسایی (اسرائیل) بود.

چراغدان در عهد جدید. ایمانداران عهد جدید به بدن مسیح تعلق دارند (اول قرنتیان ۱۲:۱۲- ۱۳)، اما در عین حال متعلق به جماعتهای مستقل بسیاری نیز می‌باشند. در طی دوران عهد جدید، خود مسیح نماد یگانگی کلیسای عهد جدید است که به واسطه روح‌القدس در میان هفت چراغدان ایستاده است (مکاشفه ۱). دیگر مانند عهد عتیق از یک چراغدان خبری نیست، بلکه هفت چراغدان هست که هر کدام یک شاخه دارند. آنها با همدیگر بر جماعت‌های منفرد در سراسر جهان در خلال کل دوران عهد جدید دلالت می‌کنند (مکاشفه ۷:۲). بدین ترتیب، در طی دوران عهد جدید جماعت‌های مسیحی وحدت خویش را نه به شکل ساختاری دیدنی (مانند یم فرقه)، بلکه در یگانگی روح و به واسطه عیسای مسیح، که از طریق روح‌القدس در میانشان حاضر و فعال است، باز می‌یابند.

بدن مسیح. تصویر کلیسا به عنوان بدن مسیح (افسسیان ۱۲:۴) و عضو بودن همه مسیحیان در یک بدن بر این واقعیت اشاره می‌کند که همه جماعت‌های مسیحی به لحاظ سازمانی از یکدیگر مستقلند، اما از مسیح (سر) مستقل و منفک نمی‌باشند. ایشان وحوت روحانی خویش را تنها در مسیح پیدا می‌کنند. همه

اعضا در این بدن توسط دیگر اعضا کنترل نمی‌شوند، بلکه تنها این سر یعنی عیسای مسیح است که کنترل آنها را بر عهده دارد. بنابراین در بدن مسیح هیچ عضوی نمی‌تواند بر دیگر اعضای بدن خداوندی کند. هیچ به اصطلاح «جماعت مادری» نباید بر به اصطلاح «جماعت دختر» (جماعت زیر نظر خود) خداوندی کند.

ب- کلیسای جهانی فرقه‌ها را شامل نمی‌گردد. در هیچ جای کتاب مقدس نه اشاره‌ای به هیچ فرقه کلیسایی شده و نه چنین مجوزی داده شده است.

پ- هیچ جماعت منفردی از تشکیلات فراگیر (جامع) برخوردار نیست. در هیچ جای کتاب مقدس هیچ مدرکی دال بر وجود تشکیلات فراگیر برای جماعت منفرد وجود ندارد که آن را ملزم به اطاعت از آن نماید.

ت- کلیسای جهانی یا هر جماعت منفرد در کتاب مقدس هیچگاه کلیسای حکومتی یا کلیسای ملی یا کلیسای منحصرا قومی نیست. در هیچ جای کتاب مقدس دلیلی برای اثبات این فرضیه وجود ندارد که کلیسا یک کلیسای دولتی یا ملی است : یهودیان و یونانیان با همدیگر یک جماعت منفرد در روم (م.ک. رومیان ۱۴) و افسس (فصل ۲ افسسیان) به وجود آوردند.

چکیده مفهوم واژه «اکلسیا». اکلسیا به عنوان یک جماعت همواره به معنای «جماعتی منفرد» در مکانی خاص است، جز در مواقعی که به بدن مسیح در کل جهان اشاره می‌کند. بدن مسیح یک واقعیت روحانی است. وحدت روحانی میان جماعتهای مستقل را روح خود مسیح، حقیقت کتاب مقدس و مشاوره میان جماعت‌های مستقل حفظ می‌کند.